

## ۴۴ سال پیکار در راه دفاع از حقوق جوانان

کشور ما ایفا کرده است".  
سپس اعلامیه ضمن اشاره به بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی حاکم بر جامعه ، به مسئله ادامه جنگ و اعتراض های ضد جنگ می پردازد و جوانان کشورمان را به مبارزه علیه آن فرامی خواند:  
"باید با گسترش فعالیت های افشاگرانه در سازماندهی توده ها علیه سیاست ادامه جنگ و در راه صلح عادلانه بطور پیگیر تلاش ورزید".  
در ادامه اعلامیه از جمله می خوانیم.  
چنین جوانان باید از تجربه های مثبت انقلاب بهمن ۵۷ و گذشته پرهار خود بیاموزد و پار دیگر در صف جنبش عمومی خلق قرار گیرد. باید با استفاده از تمامی امکانات مبارزه علنی و

سازمان جوانان توده ایران بمناسبت چهل و چهارمین سالگرد بنیانگذاری خود اعلامیه ای تحت عنوان "۴۴ سال پیکار در راه دفاع از حقوق جوانان" منتشر ساخته است.  
اعلامیه سازمان جوانان توده ایران با این سطور آغاز می شود:  
"با فرا رسیدن فروردین سال ۱۳۶۶ ، چهل و چهار سال از زندگی سراسر رزم سازمان جوانان توده ایران ، سازمان جوانان مترقی و انقلابی ایران ، کهن ترین سازمان سیاسی - اجتماعی جوانان میهن ما سپری شد. سازمانی که در طول تاریخ پر فراز و نشیب همواره سرفراز پرچم مبارزه جوانان علیه ارتجاع و امپریالیسم را در امتزاز نگاهداشته و به گواهی تاریخ نقشی ارزنده در اشاعه افکار مترقی و تحول فکری - سیاسی جوانان



شماره ۱۴۸ دوره هشتم  
سال سوم سه شنبه ۱۳۶۵/۱/۱۱  
بهاء ۲۰ ریال

## خمینی احساس خطر می کند

بحرانی که سراپای جامعه و به تبع آن حاکمیت ج.ا. را فرا گرفته است، در سال جدید تشدید می شود و هیچ چشم اندازی برای فروکش آن وجود ندارد. این بحران که روز بروز پیچیده تر و بغرنج تر می شود، ساختاری است و جنبه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار قوی دارد و علیرغم کزافه گوئیهای که سران ج.ا. می کنند، رژیم قادر به غلبه بر آن نیست.

هراس رژیم از تشدید فزاینده بحران را باید در بیداریش ها و هشیارباش های خمینی خطاب به اطرافیانش دید. او که شاهدهی بر رویگردانی دائماً رو به افزایش توده ها از حاکمیت قرون وسطائی است، سیاست رژیم را در همه زمینه ها شکست خورده و پایه های نظام "ولایت فقیه" را لرزان می بیند، پیروانش را به اتحاد و یگانگی فرا می خواند، تا بلکه بتواند راهی برای رهائی از بن بست بیابد. از اینرو، در نطق نوروزی و بویژه در گفتار ۲۲ اسفند خود در جمع رئیس جمهور، رؤسای سه قوه، نمایندگان مجلس و دیگر مسئولان و دست اندرکاران بلند پایه ج.ا. آنها را از "جنبه گیری در مقابل هم" برحذر می دارد و بعنوان "تکلیف شرعی" حکم می کند که دست از اختلافها بردارند، "این نخواهد ارنش را از بین ببرد، این نخواهد سپاه را از بین ببرد، آن نخواهد قوه قضائیه را از بین ببرد. همه باید با هم باشند".

او شاهد است که هر روز تضادهای درونی در میان جناحهای گوناگون رژیم بر سر قدرت و منافع گروهی وسعت بیشتری می گیرد و پس از سکونتهای موقتی، پرخاشگری های ناگهانی آغاز می شود و طرفین مخاصمه بجان هم می افتند. علاوه بر آن، موج بقیه در ص ۶

## روابط با امریکارا نمی توان حاشا کرد

افشای روابط پنهانی سران مرتجع رژیم با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیل بحق خشم و نفرت توده های زحمتکش را برانگیخته است. اینک سخنگویان رژیم، از خامنه ای و رفسنجانی گرفته تا شخص خمینی، بارها و بارها روی ماجرای "ایران - گیت" تکیه کرده و می کنند و می کوشند تا با سرهمبندی دروغ و توسل به حیل و تزویر حقایق را وارونه جلوه گر سازند، دلیل قاطع رسوائی بیش از پیش سران و افسرکرای رژیم در برابر افکار عمومی است. برای نمونه می توان سخنان خامنه ای در مراسم نماز جمعه ۲۹ اسفند ماه را مثال آورد. وی یکی از خطبه ها را به این موضوع اختصاص داد.

خامنه ای که در ارتباط با پیام اخیر ریگان بیرامون عملیات پنهانی "ایران - گیت" سخن می گفت، از جمله اظهار داشت: "شکست امریکادر این جریان بخاطر تحلیل های غلط سیاستبازان دستگاه حاکمه آمریکا بود که بر پایه دروغ، حیل و تزویر استوار است و مثل هر حرکت و تلاش که مبتنی بر باطل باشد، با همه حمایتهاش باز محکوم به شکست خواهد بود، همانگونه که سیاست خارجی و داخلی امریکادر این ماجرا شکست خورد".

مشابه این نظر را، بدون اندکی کم و کاست، درباره خود سخنگویان رژیم ج.ا. که با تمام قوا می کوشند تا سپاه را سفید جلوه گر سازند، می توان ابراز کرد.

آری، درست است که افشای ماجرای "ایران - گیت" دورویی و تزویر و توطئه گری محافل حاکمه آمریکا را - البته نه آنچنان که سران مرتجع ج.ا. تبلیغ می کنند، بلکه بر اساس دلایل مستند و فاکتهائی که نمونه هائی از آنها اخیراً در "نامه مردم" بازتاب یافته است - نشان داد. اما، این ماجرا در عین حال کوس رسوائی سران رژیم را نیز بر سر هر کوی و بیزنی به صدا آورد.

ریگان در پیام به مردم آمریکابه وجود روابط پنهانی با برخی از سردمداران رژیم و فروش بقیه در ص ۴

## بودجه سال ۶۶ - بودجه نظامیگری

مجلس شورای اسلامی پس از چند نشست بالاخره در اواخر اسفند ماه باعجله بودجه سال ۶۶ را تصویب کرد. بودجه کشور بازتاب سیاست اجتماعی - اقتصادی دولت طی یکسال و نیز برنامه آن در این زمان است. بودجه، در عین حال نشان دهنده سیاست دولت در زمینه چگونگی تقسیم درآمد ملی است. با در نظر گرفتن این ویژگیهاست که باید بودجه سال ۶۶ را بررسی کرد.

### تامین هزینه های نظامی - محور اصلی بودجه

تامین هزینه های ارزی و ریالی نظامی محور اصلی بودجه سال ۶۶ تعیین شده است. هم وزیر سازمان برنامه و بودجه و هم نمایندگان "مخالف" و "موافق" لایحه بودجه طی سخنرانی های خود در مجلس شورای اسلامی روی این مسئله تاکید کردند.

در لایحه بودجه مصوب دولت برای هزینه های نظامی در سال جاری ۴۲۰ میلیارد ریال در نظر گرفته شده بود که کمیسیون برنامه و بودجه مجلس مبلغ ۲۲۰ میلیارد ریال دیگر به آن افزود. علاوه بر این، مبالغ کلانی هم برای ایجاد پناهمگاهها و "پدافند" در نظر گرفته شده است. در لایحه بودجه هزینه ارزی جنگ مبلغ ۲ میلیارد دلار پیشنهاد شده بود که مجلس آن را به ۲/۸ میلیارد دلار افزایش داد. بدینسان طبق ارقام رسمی هزینه های ناشی از ادامه جنگ ویرانگر ۲۴ درصد کل هزینه های دولت را شامل می شود. اما، بررسی دقیق بودجه سال ۶۶ نشانگر آن است که هیچ یک از این ارقام واقعی نیستند. هزینه های نظامی به مراتب بیشتر از مبلغی است که در بودجه آمده است.

ارقام مربوط به هزینه های ادامه جنگ مندرج در بودجه سال ۶۶ فقط شامل مخارج مستقیم است. در واقع بخش اعظم بودجه وزارتخانه های نیز بطور غیر مستقیم صرف هزینه های نظامی می شود. مثلاً، همه وزارتخانه ها موظف هستند بودجه خود را در وهله نخست در خدمت جنگ قرار دهند. مبلغ بقیه در ص ۲

رهروی دیگر  
از تبار جان برکفان توده ای  
در ص ۲

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## بودجه سال ۶۶...

۲/۸ میلیارد هزینه ارزی جنگ نیز با واقعیت وفق نمی‌دهد. طبق محاسبه کارشناس خارجی، حداقل هزینه ارزی نظامی ایران در سال به ۶ میلیارد دلار بالغ می‌شود. باید در نظر گرفت که رژیم همه تجهیزات نظامی پیچیده را کلاً از خارج یا به اصطلاح از "بازار آزاد" به بهای گران گاه تا چند برابر قیمت در بازار جهانی خریداری می‌کند.

اگر هزینه‌های دستگاه‌های عریض و طویل انتظامی، "امنیتی" و اطلاعاتی را نیز به هزینه‌های نظامی بیافزاییم، می‌توان گفت که بیش از ۵۰ درصد بودجه کشور صرف جنگ و نظامیگری و گسترش اختناق در کشور خواهد شد.

بر اساس مصوبات بودجه سال ۶۶ می‌توان نتیجه گرفت که کل درآمد ارزی پایه شکل ارزی از راه تبدیل آن به ریال، به اضافه بخش مهمی از دیگر منافع مالی دولت صرف هزینه‌های نظامی خواهد شد که جز ویرانی شهرها و روستاها و مؤسسات صنعتی و دیگر مراکز تولید از همه مهمتر ادامه کشتار جمعی و آوارگی و بیخانمانی صدها هزار نفر از هم میهنان ما، حاصلی نداشته و ندارد. به بیان دیگر بودجه سال ۶۶، بودجه نظامیگری است و به همین دلیل تعیین بحران اجتماعی - اقتصادی را در پی خواهد داشت.

## بودجه تورم را

سران رژیم می‌کوشند تا چنین وانمود کنند که گویا بودجه سال ۶۶ "انقباضی" است، اما حتی مطالعه سطحی بخش مربوط به درآمدها و طرق تأمین آنها نشان می‌دهد که بودجه سال ۶۶ تورم‌زاست.

درآمد دولت عبارت است از درآمد مالیاتی (مستقیم و غیر مستقیم)، درآمد از محل فروش نفت خام و سایر درآمدها.

میزان درآمد مالیاتی در لایحه بودجه تنظیمی دولت (۱۱۲ میلیارد ریال پیش‌بینی شده بود که کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ۷ میلیارد ریال از آن کاست. باید یادآور شد که درآمد مالیاتی پیشنهادی دولت برای سال ۶۶ نسبت به رقم مصوب سال ۶۵ حدود ۱۲/۲ درصد کاهش نشان می‌دهد. این کاهش‌ها در واقع به سود کلان سرمایه‌داران است و با در نظر گرفتن منافع آنها، بجز آمده است. زیرا مالیات بر حقوق و نیز مالیات غیر مستقیم نه تنها کاهش نیافته، بلکه در مواردی افزایش قابل توجهی را نیز نشان می‌دهد.

در سال ۶۵ مالیات بر حقوق حدود ۸۲ میلیارد ریال بود؛ در سال ۶۶ این رقم ۹۰ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است. از ۶۰۰ میلیارد ریال مالیاتهای مستقیم در نظر گرفته شده برای سال ۶۶، ۲۴۰ میلیارد ریال مالیات بر واردات و ۲۵۶ میلیارد ریال مالیات بر مصرف و فروش است. ناگفته پیداست که بار این مالیات‌ها نیز بطور عمده بر دوش زحمتکش یعنی اکثریت مصرف کنندگان سنگینی خواهد کرد.

جالب است که مالیات بر ثروت فقط ۹ درصد از کل مالیات بر درآمد است. افزایش مالیات‌ها در سالهای اخیر از محل افزایش مالیات بر حقوق و مالیات غیر مستقیم بوده است. حتی کارشناسان

۱. اعتراف می‌کنند که میانگین سهم سالانه مالیات بر درآمد مشاغل، یعنی مالیات بر درآمد سرمایه‌داران کاهش یافته است (مراجعه شود به کیهان، ۵ بهمن ۶۵).

کاهش مستمر مالیات بر درآمد صاحبان ثروت تصادفی نیست. کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان که توانسته‌اند اهرمهای اقتصادی کشور را بدست گیرند در تعیین سیاست مالیاتی دولت مهمترین نقش را دارند. در این مورد سخنان مرتضی رضوی در جامه ۱۲ اسفند ماه مجلس شورای اسلامی پیرامون لایحه بودجه سال ۶۶ جالب است. وی گفت: چرا "از آن آقایان متدین سرمایه‌دار میلیوثر دعوت می‌کنند که در مورد شیوه مالیات نویسی به مجلس کمک کند که این مسئله از اساس اشکال دارد، ولی از کارگران و کشاورزان دور افتاده سیاه سوخته زیر آفتاب برای نظریرسی دعوت نمی‌کنید؟"

علت روش است. زیرا رژیم خمینی حافظ منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان است. بودجه سال ۶۶ شاهد زنده این موضع رژیم ضد خلقی است.

میزان "سایر درآمدها" در لایحه مصوب دولت / ۴۵۱ میلیارد ریال بود. کمیسیون برنامه و بودجه مجلس آن را به ۶۱۷ میلیارد ریال افزایش داد، یعنی با یک چرخش قلم ۱۶۶ میلیارد ریال به آن افزود. از هم اکنون می‌توان گفت که دولت قادر نخواهد بود چنین درآمدی را تأمین کند، مگر آنکه در این مورد نیز بار سنگین را بر دوش توده‌های محروم بگذارد.

مهمترین منبع درآمد ارزی کشور مانند گذشته، درآمد فروش نفت خام است که در لایحه بودجه، میزان آن ۶۷۲/۲ میلیارد ریال پیش‌بینی شده بود و در کمیسیون برنامه و بودجه به ۸۵۷/۴ میلیارد ریال افزایش داده شد. در اینجا نیز کمیسیون برنامه و بودجه برای اینکه "بودجه متعادل"ی عرضه دارد باز با یک چرخش قلم مبلغ ۱۸۵ میلیارد دلار به درآمد ارزی از طریق فروش نفت اضافه کرد.

با در نظر گرفتن کاهش بهای نفت و اشیاع بازار جهانی از نفت خام و نیز خسارتهای عظیمی که به معادن نفت و جزیره خارک به مثابه بندر عمده صدور نفت وارد آمده، به جرئت می‌توان گفت که دستیابی رژیم به درآمد مورد نظر مجلس شورای اسلامی غیر ممکن و همانند آب در هاون سائیدن است.

تنظیم کنندگان لایحه بودجه سال ۶۶ با در نظر گرفتن آنچه که گفته شد درآمد نفت را از ۱۴۰۰ میلیارد ریال در سال گذشته (که هیچگاه حاصل نشد) به ۶۷۲ میلیارد ریال تقلیل داده بودند. تازه خود این رقم نیز طبق اعتراف دست‌اندرکاران رژیم واقعی نبود. اما این امر بهیچ وجه مانع از آن نشد که کمیسیون برنامه و بودجه ۱۸۵ میلیارد ریال دیگر بر آن بیافزاید.

سرمداران رژیم کاهش سهم درآمد نفت از کل درآمد کشور به ۲۲ درصد را، یکی از "موفقیت‌های بزرگ" دولت می‌دانند. چنین ادعائی جز سفسطه و عوامفریبی نیست. کاهش سهم درآمد نفت از کل درآمد بودجه زائیده پائین آمدن سریع قیمت‌ها و ناتوانی رژیم از صدور فزاینده نفت خام است. وانگهی این روند تنها وقتی می‌توانست مثبت

ارزیابی شود که در ارزی حاصله از صدور کالاها، غیر نفتی و در درجه اول کالاها صنعتی، جای درآمد حاصله از نفت را می‌گرفت، در حالی که درآمد صادرات غیر نفتی ج. ا. (حتی اگر ارقام ارائه شده از جانب رژیم را واقعی فرض کنیم) در ده ماهه اول سال ۶۵ فقط حدود ۷۰۰ میلیون دلار بود که آنهم از طریق صدور کالاها صنعتی - فرش، خشکبار، روده و کلوخه‌های نساجی - بدست آمده است. رژیم قادر به صدور کالاهای صنعتی نیست، به این دلیل ساده که خود وارد کننده کالاهای صنعتی است و طی هشت سال پس از انقلاب هیچ تغییری در خصلت تک کالائی اقتصاد ایران بوجود نیامده است.

ارز حاصل از درآمد نفت عمدتاً صرف کالاها وارداتی می‌شود که به اعتراف وزیر امور اقتصادی و دارائی "ترکیب و نوع آنها را غرب تعیین" می‌کند (اطلاعات ۲ دیماه ۶۵). افزون بر این انحصارهای خارجی قیمت کالاها صادراتی خود را مرتباً بالا می‌برند و بدینسان یکی از عوامل صدور تورم به کشور می‌شمار می‌روند.

از سوی دیگر، کاهش بهای نفت و کل درآمد حاصل از آن و اختصاص بخش اعظم این درآمد اندک به هزینه‌های نظامی، واردات کالا و مواد خام و یدکی و قطعات منفصله مورد نیاز کشور را کاهش داده است. کاهش واردات باعث کاهش تولید شده که این نیز به نوبه خود از میزان عرضه کاسته است. طبیعی است در این شرایط به علت افزایش تقاضا در نتیجه افزایش جمعیت تعادل بین عرضه و تقاضا بهم می‌خورد و این نیز موجب بیشتر شدن فشار تورمی می‌شود.

با توجه به واقعیت‌های یاد شده، در اینکه بودجه سال ۶۶ نیز مانند گذشته کسری عظیمی خواهد داشت، بجای کوچکترین تردیدی نیست. برای تأمین کسری بودجه، دولت ناچار به استقراض از سیستم بانکی خواهد شد و این نیز مانند گذشته میزان اسکناس در گردش را که هیچ رابطه‌ای با تولید ندارد افزایش خواهد داد. این افزایش که به کاهش ارزش ریال منجر می‌شود خود تورم‌زاست. با در نظر گرفتن اینکه بیش از ۵۰ درصد بودجه مستقیم و یا غیر مستقیم صرف هزینه‌های جنگی خواهد شد، که هیچ ارتباطی با تولید ندارد و در واقع غارت آشکار درآمد ملی است، تورم افزایش خواهد یافت.

کمیسیون برنامه و بودجه مجلس که برای "متعادل ساختن" بودجه، بدون هیچ پشتوانه‌ای به بخش درآمدها افزوده است، از دولت خواست تا خدمات دولتی را "به قیمت واقعی" در اختیار مردم قرار دهد. به بیان دیگر مجلس شورای اسلامی همان سیاست اقتصادی را پیشنهاد می‌کند که نواستعمار مطرح می‌سازد: کاهش هر چه بیشتر بودجه خدمات اجتماعی.

"فروش خدمات دولتی به قیمت واقعی"، یعنی بالا بردن قیمت آب، گاز، برق و... مورد نیاز محرومین جامعه. تردیدی نیست که افزایش قیمت خدمات، بلافاصله سیر صعودی دیگر مایحتاج عمومی را در پی خواهد داشت.

## تعمیق توزیع نا عادلانه درآمدها

بودجه سال ۶۶ در جهت حفظ منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان عمل می‌کند. طبقه در ص

## رهروی دیگر از تبار جان برکفان توده‌ای

باخبر شدیم که رفیق حسن خوش خeber، از شپستر، زمان کوتاهی پس از رهائی از بند، در پیامد شکنجه، جان سپرده است. او "در حمله سرتاسری به حزب توسط ساواک خمینی بازداشت شد. مدتی شکنجه و زندان، سپس آزاد شد و دیری نپایید که قلب مهربانش در بیمارستان از تپش باز ایستاد."

یکی از هم‌زمان رفیق خوش خeber که با رفیق شهید توده‌ای سعید محمدعلی زاده نیز پیوند عمیق دوستی داشته است، می‌نویسد: "برای من حسن با تمامت خود تجسمی از حزب توده ایران بود. من اینگونه توده‌ای‌ها را دوست دارم و واقعی‌شان می‌انگارم."

در نامه سرپا شور و احساس این رفیق به "نام مردم" می‌خوانیم:

"در گوشه غربت نشسته‌ای، فارغ-وناگهان از خبر مرگ عزیز می‌گیری، بی‌آنکه با پیکر بی‌چانش - حتی - وداع گفته باشی. و با ضجه‌هایت، عفریت مرگ را رانده باشی. بر نسل من ستمی اینچنین مویب می‌رود.

خبر کوتاه است: سه کلمه - مثل عمر کوتاه او. شعری مختصر - و نه قصیده‌ای بلند. ناکزیر بارها و بارها بر خاطرت هجوم می‌آورد و پر زبانت جاری می‌شود و به کار و تلاش نظمی شورمند می‌دهد.

چنین اند مردان دوران ما.

حسن قاصدکی بود. زمانی کوتاه در کنارمان نشست و بیامی آورد. سپس برخاست، جان عاشقش در یاد به یغما رفت و ما ماندیم بی‌پیام آور، اشک بر چشم و چشم در راه.

خبر مرگ سعید هم اینچنین بگوشم رسید. شهادت عجیبی است بین آن دو رازی که هنوز پر می‌کنش گذشته نیست. سعید را ساواک بازداشت می‌کند. چند روز شکنجه، بعد آزاد می‌شود و پس از چندی پیکر پنهانش از سیمینه رود پدر کشیده می‌شود. حسن هم در حمله سرتاسری به حزب توسط ساواک خمینی بازداشت می‌شود. مدتی شکنجه و زندان. سپس آزاد می‌شود و دیری نمی‌پاید که قلب مهربانش در بیمارستان از تپش باز ایستد.

مرگ این دو بار هم‌رمز شهادت شگرفی به هم دارد.

سعید برای خود نمی‌زیست. این ادعای من نیست. همه پینه بدست‌ها، پیل بدوشان ژنده پوش و قالی بافان رنگ‌پریده شپستر چنین می‌گویند. وقتی روستاهای میاندوآب در آتش قهر طبیعت می‌سوزند و روستائیان گرسنه و تشنه در محاصره سیل هستند، سعید همدوش یارانش - بی‌اندیشه‌ای به بود و نبود - آذوقه پردوش به سیل می‌زند و از این‌روست که بعدها پیکر بی‌چانش را نه گروهی انگشت شمار که شهری بدوش می‌کشد و در تشیع جنازه‌اش همه مغازه‌ها تعطیل می‌شوند.

توده‌ها شاهدان و آزمایندگان پردبار و

دیرباور قهرمانانند.

حسن نیز سرگذشت و سرشتی همانند سعید دارد. او از سعید به توده‌ها نزدیکتر است. طوری که بازشناسی او امر مشکلی است. او خود جزئی از توده‌هاست. تمام عمر کارگری. از کار در تریکوفایی‌های تهران تا رانندگی مینی‌بوس در شپستر. انسانی ساده و بی‌ریا، صمیمی، افشاگر، بی‌پاک، سازنده به تمام معنی انقلابی. حضورش در همه جا محسوس بود. در افشاکاری‌های پیش از انقلاب، در سازماندهی مردم در جریان انقلاب، در دفاع از آینده انقلاب، در بحث‌های خیابانی، در محافل کارگری و... او نه روشنفکری پر مدعا بود که مذهبانه از بالا به زحمتکشان بنگرد، بلکه همدم و همدرد طبیعی و هم‌سرنوشت سرشتی آنها بود. کارگران کوره‌های آجرپزی شپستر و کردهای مهاجر در وجود او - که سرتاسر قلب بود - نه تنها بهترین دوست و دلسوز خود، که قاصد و نامه‌رسان و محرم اسرار خود را می‌دیدند. وقتی حسن وارد محوطه کوره‌ها می‌شد، خیردهن به دهن می‌پیچید. لحظه‌ای بعد او در خمه‌های تاریک و نمور در میان کارگران بود. حال و احوال خانواده‌هایشان در کردستان، نامه‌هایشان، رسید پول‌هایی که برای یکایکشان برده و تحویل داده، مشکلات یکایک خانواده‌ها و گره‌گشائی‌های صبورانه از زندگی دشوار کارگران کوره‌پزخانه‌ها.

یادای بودی تو،

قاصدکی شاید.

آن سوی کوهها،

آنجا که ره

حوصله از چشم بر می‌گیرد

و ماه

برای گلها

نقره می‌گرید،

به تومی اندیشم.

وقتی انگشتان خیس چشمه

بر تن لاله‌های جوان می‌نشیند

تا بدرهای عشق

بر قلبشان

بنشانند

به تومی اندیشم.

منصور

و سخن واپسین کریم - کارگر کوره - در ذهنم جان می‌گیرد؛ اگر حزب توده فقط حسن را داشت برای حقایقش کافی بود.

آری توده‌ها - گیرم که آخرین - صادق‌ترین داورانند.

حسن همانند سعید تا نهایت شب راند و یارانش را در حسرت پردرد احساس صمیمیت زلالت باقی نهاد.

یادش را و یادشان را گرامی می‌داریم!

## پیام به سیزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست سری لانکا

رفقای ارجمند!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنام کمیته‌های ایران و طبقه کارگر شورمان، درودهای رزمی و انقلابی خویش را به کنگره ملی حزب شما تقدیم می‌دارد.

سیزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست سری لانکا هنگامی برگزار می‌شود، که تاریخ بشریت نقطه چرخشی حیاتی را فراروی خود می‌بیند. جنگ‌افزارهای هسته‌ای نه تنها دستاوردهای بشریت، بلکه هستی انسانها را تهدید به نابودی می‌کند. اتحاد شوروی، بخلاف ایالات متحده آمریکا، بگونه‌ای خستگی‌ناپذیر در راه خلع سلاح هسته‌ای می‌کوشد. پیشنهاد نابودسازی مرحله به مرحله جنگ‌افزارهای هسته‌ای تا پایان سده کنونی تازه‌ترین نمونه این سیاست صلح‌جویانه است.

رفقای عزیز،

حزب توده ایران از اینراه همبستگی خود را با پیکار کمیته‌های سری لانکا علیه سیاست دولت حاکم، که تنها بسود نواستعمار و امپریالیسم است، ابراز می‌دارد. ما پیروزی شما را در کوشش برای تحقق اتحاد عمل همه نیروهای دمکراتیک سری لانکا در راه تأمین و تثبیت دمکراسی، حل مسائل قومی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.

در مبارزه برای صلح و سوسیالیسم پیروز باشید!

با درودهای کمونیستی،

کمیته مرکزی حزب توده ایران

## روابط با امپریالیسم می‌تواند...

منطقه کام برداشت. جالب است که این روابط حتی پس از افشای عملیات ایران - گیت نیز ادامه داشته است.

کارن تومالتی و جیفر گرتن زانگ در مقاله‌ای در "لوس آنجلس تایمز" (۲۲ ژانویه ۱۹۸۷) تحت عنوان "رسانایی باعث قطع مذاکرات با ایران نشد" می‌نویسد: "به گفته منابع کنگره، شولتز اظهار داشت که ماه گذشته وزارت خارجه در یک جلسه مذاکره با ایران شرکت داشته است، اما زمانی که ایران به ادامه دریافت سلاح‌های بیشتر اصرار کرد، این گفتگوها را قطع کرد. این منابع می‌گویند شولتز همچنین در مقابل کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان اعتراف کرد که علیرغم تصمیم وزیر امور خارجه مبنی بر قطع اینگونه تماسها، مقامات سازمان "میا"، بدون اطلاع وی حداقل یک بار دیگر در ماه دسامبر در تلاش برای دستیابی به یک موافقت، با نمایندگان ایران ملاقات کرده‌اند."

چنین است حقایقی که "میان‌روهای" مورد نظر امپریالیسم از مردم ایران پنهان می‌کنند. خامنه‌ای‌ها و رفسنجانی‌ها بیهوده می‌کوشند تا خیانت آشکار رژیم ج.ا. به مصالح ملی ما را از افکار عمومی پنهان دارند.

## روابط با امریکارانی می توان...

تجهیزات نظامی به ج. ا. اعتراف کرد. وی طی ۱۲ دقیقه مسائلی را در این زمینه مطرح ساخت که کاخ سفید طی چهار ماه آنها را انکار می کرد. اما نه گزارش تهیه شده از جانب کمیسیون ویژه تعیین شده از طرف کاخ سفید و نه سخنان خود ریگان، هنوز منعکس کننده همه واقعیت نیستند و مسائل مهمی در ارتباط با مغازه برخی از سران رژیم با گردانندگان "کاخ سفید" بی پاسخ مانده است.

خامنه ای می گوید: "ج. ا. ا. در نظر دارد در آینده در این مورد گزارشی منتشر کند که آنوقت دنیا خواهد فهمید سردمداران آمریکا چقدر دروغ گفته اند."

سؤال این است: چرا چنین گزارشی تاکنون منتشر نشده است و آیا سران ج. ا. برخلاف آنچه که تاکنون در جهت تحریف واقعیت گفته اند، حقایق را آنچنان که هست باز خواهند گفت؟ از هم اکنون می توان گفت که خمینی و بارانش نیز مانند ریگان و همکارانش به حربه تزویر متوسل خواهند شد.

در اینکه برخی از سران رژیم ارتباط سری با امپریالیسم آمریکا داشته اند و هنوز هم دارند، جای کوچکترین تردیدی نیست. این آقایان در موارد مختلفی آگاهانه و یا ناآگاهانه به این ارتباطها اعتراف کرده اند. به سخنان آنها در گذشته نه چندان دور مراجعه کنیم:

خامنه ای، در نماز جمعه ۲۲ آبان ۶۵ ضمن سخنرانی پیرامون ماجرای "ایران - گیت" گفت: "ما حق خود را از امریکای می خواهیم و سلاحهای را که چند سال است در انبارهای آمریکا به ناحق نگاهداشته شده است، از امریکای می خواهیم... اگر شما می خواهید حسن نیت خود را نشان دهید طلبهای ما را بدهید..."

بدینسان خامنه ای اعتراف می کند که با امریکا تماس داشته اند و هدف نیز نشان دادن حسن نیت از جانب واشنگتن از طریق تحویل سلاح به ج. ا. بوده است.

۷ آذر ماه سال گذشته، هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه اعتراف کرد که امریکائی ها "از طرق مختلف وارد شدند" و از "مقامات رسمی دوستانشان از کشورهای خلیج فارس و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس استفاده کردند و بطور رسمی از طریق وزرای خارجه آنها پیغام دادند که امریکائی خواهد با شما خصومت بکند و حاضر است به مسائل برسد و نیازهای تسلیحاتی شما را بدهد" و الی آخر.

رفسنجانی همچنین گفت واشنگتن از طرف ژاپن نیز اقدام کرد. پاسخ رژیم چه بود؟ چنانچه رفسنجانی اعتراف کرد، وی به سفیر ژاپن گفته است: "... اگر چنانچه امریکا دست از زورگویی بردارد و اموال ما که در امریکا مطرح است را آزاد کند، این می تواند سندی باشد که امریکا راست می گوید."

اگر رفسنجانی فراموش نکرده باشد، وی در اوائل تیر ماه سال ۶۴ نیز هنگام سفر به ژاپن به امپریالیسم آمریکا چراغ سبز داد. ۱۲ تیر ماه ۶۴ روزنامه "کیهان" پایتخت رفسنجانی به سؤال

مربوط به استقرار روابط دیپلماتیک با آمریکا را بدین شرح منتشر ساخت: "ما فرارند اشتیم با آمریکا قلع رابله بکنیم... بنظر من خود آنها باید از گذشته توبه کنند و جبران کنند و این امریکائیها هستند که باید خودشان را اصلاح کنند".

از این گونه اعترافهای مویذ روابط پنهانی رژیم با واشنگتن بسیار می توان نقل کرد. بنابراین حرف بر سر وجود این روابط که منجر به سفر مک فارلین به ایران گردید، نبوده و نیست، بلکه بر سر مسائل دیگری است.

سؤالهایی که رژیم باید بدانه پاسخ گوید فراوان است. عملیات "ایران - گیت" منحصر به ایران نبود. واشنگتن با فروش اسلحه به ایران با یک تیر چند هدف را نشان گرفته بود. بنا به اعتراف صریح دست اندرکاران عملیات "ایران - گیت"، واشنگتن در صدد بود از جناحی در حاکمیت ج. ا. اسلامی که ریگان و بارانش آن را "جناح میانه رو" نامیدند، حمایت کند. این "میانه روها" چه کسانی هستند؟

"میانه روهای" طرف معامله واشنگتن متعهد شده بودند بخشی از سلاحهای خریداری شده را به ضد انقلاب افغانی تحویل دهند. مقدار سلاحهایی که به ضد انقلاب افغانی تحویل داده شده چقدر است؟

واشنگتن بخشی از پول تجهیزات نظامی فروخته شده به سران ج. ا. را به خرید سلاح و تحویل آن به ضد انقلاب نیکار اگوئه اختصاص داد. مبلغ پولی که به حساب "سیا" در سوئیس واریز شد چه میزان بود؟

یکی از مسائلی که نه واشنگتن نه تهران به آن پاسخ نداده اند، میزان رشوه ای است که برخی از سران "میانه روی" رژیم ج. ا. در معامله اسلحه در جریان تماس پنهانی با واشنگتن دریافت کرده اند. طبق نوشته مطبوعات خارجی از تابستان سال ۱۹۸۵ تا آخر سال ۱۹۸۶ مبلغ ۶ میلیون دلار به عنوان رشوه به برخی از سردمداران رژیم پرداخت شده است.

۱۹ مارس ۱۹۸۷ روزنامه "انترنشنال هرالد تریبون" نوشت که مبلغ ۶ میلیون دلار از محل فروش سلاحهای امریکائی به ایران "به هاشمی رفسنجانی سخنگوی پارلمان ایران و خانواده او" داده شده است. علاوه بر رفسنجانی و نزدیکان او، چه کسان دیگری در این معامله کثیف شرکت داشتند؟

افزون بر این "انترنشنال هرالد تریبون" می نویسد ۲ تا ۳ میلیون دلار دیگر از پولی که ایران برای اسلحه پرداخت، توسط قربانی فر به حساب بانکی "جنبش جهانی اسلامی" در سوئیس واریز شده است. "جنبش جهانی اسلامی" سازمانی است تروریستی که از طرف ج. ا. در لبنان عمل می کند و گروهانهای امریکائی را در اختیار دارد. این پول میان چه کسانی تقسیم شده است؟

بالاخره، آخرین سؤال این است که چرا عربستان سعودی در معامله فروش اسلحه به ایران شرکت داشت؟

هدف های دولت آمریکا و صهیونیست های اسرائیل در این معامله پنهانی روشن است. نخستین هدف ایجاد زمینه برای ادامه جنگ میان ایران و عراق به قصد تضعیف هر چه بیشتر دو طرف درگیر در

جنگ بوده و هست. به نظر واشنگتن تضعیف این دو کشور امکان آن را بوجود خواهد آورد تا آنها به مدار نفوذ آمریکا جلب شوند. ایجاد ارتباط پنهانی با "میانه روها" در حاکمیت ج. ا. نیز از این استراتژی ژئوپولیتیک آمریکا ناشی می شود که در آن خاورمیانه و نزدیک جز "منطقه منافع حیاتی" ایالات متحده بشمار می آید. محافل امپریالیستی برای ایران که با اتحاد شوروی سرحد طولانی دارد، اهمیت خاصی قائل هستند. برخی از مفسران خارجی می نویسند که هدف نهائی امپریالیسم آمریکا عبارت است از ایجاد محور واشنگتن - اسلام آباد - تهران. به عقیده هیئت حاکمه آمریکا، دشمنی آشکار پاکستان و ایران با جمهوری دموکراتیک افغانستان و شرکت فعال تهران و اسلام آباد در جنگ اعلام نشده علیه مردم افغانستان، تشکیل چنین محوری را امکان پذیر می کند.

افشای غیر منتظره ماجرای مناسبات مخفی برخی از سران رژیم با امپریالیسم آمریکا ضربه ای بود بر این سیاست واشنگتن. این ماجرا در عین حال به مناسبات آمریکا با کشورهای عربی نیز لطمه وارد آورد. در این میان شرکت فعال عربستان سعودی در فروش سلاحهای امریکائی به ایران جلب نظر می کند. عربستان سعودی مانند اکثر کشورهای عربی از عراق حمایت می کند. چه عاملی سبب شد که هیئت حاکمه عربستان سعودی در جبهه واحدی با آمریکا و اسرائیل عمل کند؟ حرف بر سر آن است که عربستان سعودی از تهدید ایران دایره وارد آوردن ضربه به صنایع نفت آن کشور، سخت در هراس است. رژیم ایران بارها اعلام کرده که در صورت ادامه کمک به عراق از عربستان سعودی انتقام خواهد گرفت.

از سوی دیگر باید خاطر نشان کرد که اصولاً عربستان سعودی هم مانند ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در تضعیف دو کشور ایران و عراق ذینفع است. هنوز اوایل سال ۱۹۸۶، یعنی قبل از افشای ماجرای "ایران - گیت" بود که مجله "آفریقا - آسیا" که در پاریس منتشر میشود، نوشت: "دلارهای نفتی یگانه منبع قدرت عربستان سعودی است. این کشور نفوذی را که طی ده سال اخیر بدست آورده است، فقط وقتی می تواند حفظ کند که هیچ کشور دیگری قادر نباشد به نقش هدایت کننده آن در منطقه ضربه وارد کند. این، هم شامل ایران پس از سرنگونی شاه با تئوری صدور انقلاب اسلامی آن و هم شامل عراق به مثابه یک کشور دارای منابع ملی غنی و نیز امکانات فنی و نظامی می شود. ریاض همانند واشنگتن و تل آویو، با هدف حفظ رژیم سلطنتی در به زانو درآوردن هر دو کشور ایران و عراق ذینفع است."

چنانکه می بینیم پشت پرده روابط پنهانی ایران و آمریکا عوامل عدیدهای عمل می کردند و می کنند. در این میان امپریالیسم آمریکا نقش تعیین کننده ای به عهده داشته و دارد. استراتژی دولت آمریکا متوجه احیای مواضع نظامی، اقتصادی و سیاسی در ایران است. ادامه جنگ ایران و عراق که خواست واشنگتن است در خدمت تحقق این استراتژی قرار دارد. هیئت حاکمه ایران با سازمان دادن روابط پنهانی با امپریالیسم آمریکا عملاً در جهت تحقق استراتژی آمریکا در بنیاد در ص ۲

## معنای قانون کار

سرحدی زاده، وزیر کار و امور اجتماعی طی گفتگو با خبرنگار "کیهان" در قزوین اعلام کرد یک سمینار سراسری از نمایندگان شوراها و انجمن های اسلامی کارگران کشور برگزار خواهد شد که در آن پیش نویس قانون کار در کمیسیون های مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اگر وزیر کار به سخنان چند ماه پیش خود مراجعه می کرد متوجه می شد که دیگر چیزی بنام "پیش نویس قانون کار" وجود ندارد، بلکه قاعدتا صحبت باید بر سر لایحه کار باشد که در مهرماه به مجلس داده شده است. در جلسه بیست و هفتم مهرماه، مخابر کمیسیون کار گزارشی را در مورد این لایحه در جلسه علنی مجلس خواند و مجلس بدون هیچگونه صحبت موافق و مخالفی گزارش را تصویب کرد.

سرحدی زاده در مصاحبه ای که ۲۸ آبان ماه با روزنامه ها داشت، در ارزیابی کار این جلسه مجلس، عبارت "تصویب لایحه کار در شورای اول" را مورد استنفاده قرار داد و گفت که لایحه چنان خوب تدوین شده بود که تمام نمایندگان مجلس کلیات آنرا تأیید کردند.

البته در آن هنگام هم کارگران ایران بحق معترض بودند که چرا در جریان تهیه پیش نویس قانون کار و قبل از آنکه بصورت لایحه کار تقدیم مجلس شود از آنان نظر خواهی نشده و خواست های مبرمشان در آن گنجانده نشده است. کارگران به درستی می گفتند که باید پیش نویس قانون کار در همه کارخانه ها و کارگاه ها و محل های کار در سراسر کشور به نظر خواهی عمومی گذاشته می شد و پس از جمع بست پیشنهاد های کارگران و دیگر فروشندگان نیروی کار و بازتاب آنها در پیش نویس، آنگاه لایحه کار تدوین می گردید و به مجلس داده می شد.

از سوی دیگر تهیه کنندگان لایحه در مصاحبه های خود پیوسته مدعی می شدند که با کارگران بگونه ای گسترده مشورت کرده اند و لایحه مورد تأیید کارگران نیز هست.

اینک، چهارماه پس از تصویب "شور اول" لایحه، وزیر کار از نو صحبت از "پیش نویس قانون کار" بمیان می آورد و برای نظر خواهی از کارگران سمینار تشکیل می دهد. آنهم سمیناری از مدیران واحدهای تولیدی و صنعتی سراسر کشور و تعدادی از "نمایندگان" شوراها و اسلامی و انجمن های اسلامی که بسیاری از آنان عوامل جمهوری اسلامی در کارخانه ها هستند.

در حال سمینار مورد نظر وزیر کار در شهر اراک برگزار گردید. این سمینار ۱۵ کمیسیون تشکیل داد تا در آنها مواد مختلف "پیش نویس قانون کار" مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.

## از سخنرانی...

این انجمن در مدت پیش از سه سال فعالیت علنی و نیمه علنی توانست نفوذ و اعتبار خود در میان کارگران را افزایش دهد. از جمله اقدامات مثبت انجمن مبارزه موفقیت آمیز علیه پیش نویس قانون کار ارتجاعی دولت جمهوری اسلامی بود.

پس از خیانت سران مرتجع جمهوری اسلامی به آماج های انقلاب، رژیم سندیکاهای کارگری را یکی پس از دیگری منحل کرد و در فوریه سال ۱۹۸۲ محل انجمن همبستگی توسط نیروهای مسلح اشغال شد. در آغاز سال ۱۹۸۲ یورش سراسری رژیم علیه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی آغاز شد که باقیمانده اتحادیه های کارگری را نیز دربر گرفت و کارگران عملا از داشتن سندیکا و اتحادیه شغلی محروم شدند.

سپس با افزایش بحران اقتصادی و پیامدهای جنگ ایران و عراق، اکثر کارخانه ها از تولید بازماندند و مهاجرت روستائیان چوینده کار نیز به شهرها فزونی یافت بطوریکه تعداد بیکاران کشور اکنون به بیش از پنج میلیون تن رسیده است. شرایط کار پیش از پیش دشوار می شود، دستاوردهای طبقه کارگر ایران پایمال می گردد، فقر و گرسنگی و بیخانمانی زندگی زحمتکشان ایران را غیرقابل تحمل کرده است. زندان ها از فعالان جنبش سندیکایی و آزادیخواهان انباشته شده است. از میان فعالان سندیکایی، تا آنجا که تاکنون آشکار شده است، رفقا حسن حسین پور تهریزی و علی شناسائی بر اثر شکنجه جان خود را از دست داده اند.

در طول پیش از هشتاد سال مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر ایران قربانیان فراوانی داده است. ما یاد همه آنها را گرامی می داریم.

نماینده کارگران ایران سپس، با توجه به خطر های فزاینده ای که جان مبارزان در بند را تهدید می کند از همه نمایندگان اتحادیه های کارگری سراسر جهان که در مسکو حضور داشتند دعوت کرد که بر مبارزات خود دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران و از جمله کسانی که بخاطر دفاع از منافع طبقه کارگر به زنجیر کشیده شده اند پیفزایند.

آنگاه سخنران سیاست رژیم در مورد دمیدن در تنور جنگ را تشریح کرد و گفت کودکان ونوجوانان را در مدرسه و کارگاه می فریبند، به قتلگاه جنگ می فرستند، کارگران وزحمتکشان را از کارخانه و مزرعه بزور روانه چپه ها می کنند و خانواده ها را بی سرپرست می گذارند.

نماینده کارگران ایران در پایان سخنرانی خود از همبستگی انترناسیونالیستی طبقه کارگر اتحاد شوروی صمیمانه سپاسگزاری کرد.

در روزنامه های کشور هیچگونه گزارشی درباره نتایج این مباحثات انتشار نیافته است. تنها خبری که می توان در روزنامه ها یافت مربوط به آغاز کار آن و پیامی است که رئیس مجلس به این مناسبت فرستاده است. رفسنجانی در پیام خود به سمینار کوشید چنین وانمود سازد که اگر در جمهوری اسلامی تا بحال گامی بسود زحمتکشان برداشته نشده جای نگرانی نیست زیرا گوید کارگران سوسیالیستی هم وضع از همین قرار است! او در پیام خود نوشته بود: "حتی در جامعه های سوسیالیستی که به اسم کارگر حکومت تشکیل داده اند عملا در احقاق حقوق کارگران دستاورد قابل قبولی نداشته اند". اینکه در کشورهای سوسیالیستی مسائل مربوط به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن و اشتغال و تامین اجتماعی برای همه کارگران و زحمتکشان در شهر و روستا حل شده بنظر رئیس مجلس چیز پیش پا افتاده ایست ولی در جمهوری اسلامی که زحمتکشان را جز فقر و گرسنگی و بیخانمانی و نبود بهداشت و درمان و آموزش نصیبی نیست، او اظهار امید می کند که "سهم عادلانه کارگر از نتایج کار بدستش برسد و ارزش و اعتبار کار و صاحب کار از هر نوع و هر سطح محفوظ گردد". ضمنا رئیس مجلس مدعی می شود که "انقلاب اسلامی و مجلس شورای اسلامی با الهام از عدالت اجتماعی در این راه گام های موثری برداشته ولی بی شک هنوز در نیمه راه هستیم..."

البته پس از خیانت خبیثی و بارانش به آماج های مردمی انقلاب، گام های موثری بسود کارفرمایان - با بقول رفسنجانی صاحبان کار - و سرمایه داران فراری برداشته شد و کارخانه های ملی شده به آنان بازگردانده شد، ولی پیشرومی ویژه ای می خواهد که مدعی برداشتن گام های موثر بنفع کارگران و زحمتکشان نیز بشود. این ادعاها را همان کسانی می کنند که سندیکاهای کارگری را یکی پس از دیگری منحل کردند تا کارگران نتوانند از راه مبارزات جمعی از منافع حقه خود دفاع کنند.

بیکمان تنها و تنها کارگران و زحمتکشان ایران هستند که باید برای گذراندن قانون کار مدافع منافع حقه خود مبارزه کنند و در تنظیم و تدوین آن شرکت فعال داشته باشند.

این قانون باید پاسخگوی خواست های کارگران باشد و بدون تردید مبارزه برای تدوین آن، پمناشه بک مبارزه سیاسی - صنفی، برای طبقه کارگر ایران اهمیت اساسی دارد. در روند اینگونه مبارزات است که آگاهی طبقاتی کارگران بالا می رود و بی می برند که تنها با مبارزات سازمان یافته و گرد آمدن در سندیکاها و اتحادیه های کارگری و سرانجام زیر درفش حزب طبقه کارگر است که می توانند از منافع حیاتی خود، آنگونه که باید و شاید دفاع کنند.



کارگران مبارز! برای دستیابی به خواستهای صنفی و سیاسی خود، متشکل و متحد شوید!

بودجه سال ۶۶ - . . .

دولت که با ورشکست مالی روبرو است، از سرمایه‌گذاری برای تجدید ساختار صنعتی خودداری می‌کند. بودجه به اصطلاح عمرانی، که در لایحه مصوب دولت ۷۷۱ میلیارد ریال در نظر گرفته شده بود، در مجلس شورای اسلامی به ۷۰۲ میلیارد ریال کاهش یافت. تازه این مبلغ نیز بطور عمده صرف ایجاد راه‌ها و فرودگاه‌های مورد نیاز جنگ خواهد شد و طرح‌های اساسی مثل نفت و گاز و پتروشیمی و تولید برق و سرمایه‌گذاری در صنایع بنیادی و غیره بکلی از برنامه دولت حذف شده است. به گفته ناوی، نماینده مجلس شورای اسلامی، بودجه سال ۶۶ سرمایه‌گذاری در ۲۸ طرح جدید را در نظر گرفته است که صرفاً جنبه خدماتی دارند.

دولت ج. ا. سرمایه‌گذاری در صنایع را کلاً به دست کلان سرمایه‌داران سپرده و برای "تشویق" آنها متعهد شده که در سال ۱۳۶۶ مبلغ ۱۲۰ میلیارد ریال به عنوان قرض الحسنه، یعنی بدون بهره، در اختیار آنها بگذارد و این در شرایطی است که نقدینگی متمرکز در بخش خصوصی به بیش از هزار میلیارد تومان بالغ است.

ناگفته پیداست که کلان سرمایه‌داران از سرمایه‌گذاری در صنعت مانند گذشته خودداری خواهند کرد. آنها ترجیح می‌دهند که سرمایه خود را در خدمات بکار ببندازند. عدم ثبات رژیم سرمایه خصوصی رابه تجارت - انبار کردن کالاهای ضروری مردم و نیز احتکار و دلال بازی - که هم سود کلان دارد و هم از هر گونه مخاطره بدور است، سوق می‌دهد. از سوی دیگر عدم ثبات رژیم، روند فرار سرمایه به خارج را شدت می‌بخشد. سالانه میلیاردها ریال در "بازار سیاه" تبدیل به ارز شده و به بانکهای خارجی انتقال می‌یابد.

کلان سرمایه‌داران از اهرم‌های دولتی نیز برای فرار سرمایه بهره می‌گیرند که از آنجمله می‌توان از صندوقهای "قرض الحسنه" نام برد. هدف سازمان دهندگان این "صندوق" ها - که به تقلید از غرب برای به اصطلاح "امور خیریه" تشکیل شده‌اند - فرار از پرداخت مالیات از سوئی و قبضه کردن اهرم‌های اقتصادی از سوی دیگر است. مرتضی رضوی ضمن بحث پیرامون لایحه بودجه سال ۶۶ فاش ساخت که دولت واردات کشور را به این صندوقها می‌سپارد. وی گفت: "... زمانی که در مورد واگذاری واردات به فلان صندوق از وزارت صنایع انتقاد می‌شود، می‌گوید: "اینها افراد خیراند"

این "افراد خیر" سالهاست که در انواع شرکتها، باپوش "اسلامی"، به غارت بی‌بند و بار میلیونها ایرانی مشغولند. یکی از این شرکتها و از جمله مهمترین آنها "سازمان اقتصاد اسلامی" است. این سازمان که بموقع خود با شرکت عده‌ای از روحانیون حاکم و کلان سرمایه‌داران تشکیل گردید نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد و مالاسیاست کشور بازی می‌کند. تصادفی نیست که کارهای عمرانی و حتی فروش ماشین‌های کشاورزی و نیز بخش مهمی از واردات و توزیع داخلی به این سازمان سپرده شده است. مرتضی رضوی در سخنرانی پیش گفته برای اولین بار فاش کرد که "مبادله‌های پولی کشور نیز به "سازمان اقتصاد اسلامی" سپرده شده است. او

پرسید: "در این شرایط چنانچه سازمان اقتصاد اسلامی مدت دو روز اعتصاب پولی کند، تکلیف جریان پول کشور چه خواهد شد؟". وی بدرستی درباره "سازمان اقتصادی اسلامی" و "اتاق بازرگانی" گفت که آنها هر کدام "دولت اقتصادی" هستند و "دولت میرحسین موسوی هم یک دولت اقتصادی است".

۱۲۰ میلیارد ریال قرض الحسنه در نظر گرفته شده در لایحه بودجه به گاو صندوقهای اینگونه سرمایه‌داران انتقال خواهد یافت که شئون اقتصادی کشور را در دست دارند و عامل اساسی تشدید فقر در جامعه هستند.

قاضی زاده، نماینده دیگر مجلس، می‌گوید: بودجه "به ضرورت برنامه‌ریزی اقتصادی در جهت رهایی از وابستگی، پایه‌ریزی ساختار سالم اقتصادی، پایه‌گذاری و ایجاد و گسترش تکنولوژی مناسب، کوشش در جهت از بین بردن فقر و محرومیت و تامین حداقل نیازهای اقتصادی مردم در کشور ما" اهمیت نداده است. این تذکر صحیح است. اما همین آقای قاضی زاده می‌گوید: "عمده کردن امور اقتصادی در برابر جنگ غیر اصولی است" و بدینسان خود با نظر پیش گفته خویش، در تضاد آشکار قرار می‌گیرد. زیرا، همه می‌دانند که رفع وابستگی و پایه‌ریزی اقتصاد سالم و اصرار در ادامه جنگ باهم منافات دارند. با سرمایه‌گذاری برای ادامه جنگ و یا سرمایه‌گذاری برای رشد اقتصادی. اگر شوق نخست حاصلی جز ویرانی و فقر و فلاکت ندارد، شق دوم - در صورت داشتن یک برنامه اقتصادی جامع به سود محرومین - می‌تواند مشکلات عظیمی را که میلیونها ایرانی با آنها روبرو هستند، به تدریج حل کند.

هیئت حاکمه با درپیش گرفتن سیاست ادامه جنگ مدتهاست که به مصالح ملی میهن ما خیانت می‌کند. چند سال پیش رژیم برنامه دست و پا شکسته پنج ساله‌ای را تنظیم و به مجلس برد که تا به امروز در کمیسیون برنامه و بودجه گرد و خاک می‌خورد. در این برنامه مبلغ ۱۶۰ میلیارد دلار برای اجرای طرحهای عمرانی در نظر گرفته شده بود. بعدها این مبلغ به ۱۴ میلیارد دلار کاهش یافت (یعنی معادل ۲۸ میلیارد دلار برای هر سال). سرانجام در سال ۶۵ دولت ۱۴ میلیارد دلار برای اجرای یک برنامه دو ساله در نظر گرفت. اما، همه این برنامه‌ها روی کاغذ باقی ماند و هیچگاه به موقع اجرا گذارده نشد. درست برعکس، رژیم با سیاست ادامه جنگ صنایع موجود را نیز به ورشکستگی کشاند. در حال حاضر، حدود ۸۰۰ کارخانه بزرگ و کوچک به علت نبود مواد اولیه و غیره تعطیل شده‌اند و بقیه کارخانه‌ها نیز نه با ظرفیت کامل، اکثراً با ظرفیت بسیار پائین کار می‌کنند. هزاران تن کارگر از کارخانه‌ها اخراج شده و به سیاه عظیم بیکاران پیوسته‌اند. هم اکنون تعداد بیکاران به بیش از ۵ میلیون تن بالغ می‌شود. افزایش سریع جمعیت با آهنگ ۳/۵ درصد در سال، مسئله اشتغال مولد را به یکی از معضلات عظیم کشور مبدل کرده است. ۲۱ دیماه ۶۵ روزنامه "کیهان" نوشت: "بخش مهمی از نیروی کار در جامعه بیکارند و همه ساله قریب به ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت جویبار کار اضافه می‌شود". بودجه سال ۶۶ هیچ راهی برای تعیین سرنوشت این نیم میلیون تن انسانی که سالانه وارد بازار کار می‌شوند، در نظر

خمینی . . .

ناراضی از عملکردهای ضد خلقی رژیم در نهادهای مختلف، از جمله در سپاه و ارتش فراگیرتر می‌شود و بخشهایی از نیروهایی که تا چندی پیش مدافع سرسخت حاکمیت "ولایت فقیه" بودند، یا منفعل می‌شوند و یا علم اعتراض و مخالفت بر می‌افرازند.

رهبر ج. ا. احساس می‌کند که بتدریج زمام امور از دست او و اطرافیانش بدر می‌رود و دیر یا زود وقوع یک انفجار در درون جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است. بی‌دلیل نیست که به مخاطبانش می‌گوید: "می‌خواهید یک قضیه‌ای واقع بشود در ایران؟ دنبال این نباشید که به نفع من باشد. آن یکی بگوید به نفع من باشد". و یادرجای دیگر با اشاره به دست‌بندیهای که وجود دارد، اعلام خطر می‌کند که ممکن است "خدای نخواستنه یک جرقه‌ای پیدا شود".

خمینی برای برون رفت از وضع بغرنجی که رژیم از حل آن در مانده است، بیش از هر چیز انسجام درونی حاکمیت را ضروری می‌داند و تصور می‌کند که با برخورد از بالا بتواند به این هدف دست یابد. سخنان او با تهدید و تمهید و تطمیع توأم است. از طرفی از پیروانش می‌خواهد که "دنبال ظاهر" و "خواهای نفسانی" نباشند و در مقابله با حریف "دندان روی جگر بگذارند" و "با هم خوب باشند". از طرف دیگر آنها را تهدید می‌کند که: "اگر خدای ناخواسته یک وقت ما ببینیم که می‌خواهد یک همچو چیزی واقع بشود تکلیف شرعی ما این است که با هر ترتیبی که می‌شود جلوی او را بگیریم، و لویه افشا کردن، و لویه اینکه یک نفری را قربانی کنیم برای یک ملت. یک دسته‌ای را قربانی کنیم برای یک ملت".

اما آیا این تهدیدها و تهدیدها کارساز واقع خواهد شد و خمینی موفق می‌شود که با تحمیل اراده فردی درگیرها را مهار کند و بر اختلافهای میان دولت‌نمردان ج. ا. نقطه پایان بگذارد و بدینسان راه را برای غلبه بر بحرانی که جامعه را فرا گرفته است هموار سازد؟ بی‌هیچ تردیدی، نه!

هنگامی می‌توان بر بحران غلبه کرد که به جنگ پایان داده شود، دمکراسی به جامعه باز گردد، دست غارتگران اجتماعی از حلقوم زحمتکشان کوتاه شود، مراکز تولیدی دیگر بار فعال شوند، به بیکاری و بی‌خانمانی و بی‌مسکنی خاتمه داده شود، مسائل بهداشتی و فرهنگی و آموزش حل شود و... آیا

تنگرفته است. بودجه‌ای که حول محور استراتژی بلند مدت جنگ طرح ریزی می‌شود، قادر به سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال مولد نخواهد بود. کشور ما با فاجعه بزرگی روبروست. ارزش افزوده صنعتی و کشاورزی بسرعت کاهش می‌یابد. دکتر بابزید مردوخ کارشناس دفتر کلان وزارت برنامه و بودجه می‌گوید: "در حال حاضر با پائین آمدن میزان تولید و کاهش سرمایه‌های تولیدی و نیز گران‌تر شدن کالاهای اساسی فشار سنگین بر قشر متوسط کم درآمد جامعه وارد آمده است، در حالیکه قشر بالادست جامعه از تمرکز بیشتری برخوردار بوده است". بودجه سال ۶۶ این روند را بیش از پیش شدت خواهد بخشید و در نتیجه فاصله میان فقر و ثروت ژرفتر خواهد شد.

## انسانهای یکبار مصرف

در چپه‌ها به نوجوانان ۱۲، ۱۳ ساله "انسان های یکبار مصرف" لقب داده‌اند. این نوجوانان معصوم که هنوز از کودکی فاصله‌ای نگرفته‌اند، اغلب چپه را با دست‌ان اشتباه می‌گیرند و بی‌خبر از سرنوشت دردناکی که انتظارشان را می‌کشد به جست و خیزهای کودکانه می‌پردازند.

## بمباران پایگاه مخابراتی

یکی از پایگاه‌های مخابراتی سپاه در کمال آباد کرج بمباران شد و خسارت‌های زیادی به آن وارد گردید. بخش تقویت امواج رادیویی و اداره مشهور به پارازیت بیشترین خسارت‌ها را دیدند. شایع است که پایگاه یادشده با اطلاع و برنامه ریزی قبلی توسط بمب افکن‌های عراق هدف قرار گرفته است. دستگاه‌های مستقر در این پایگاه بسیار پیشرفته و در خاور میانه بی نظیر است.

## تصحیح و پوش

در فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در شماره ۱۴۷ "نامه مردم" منتشر شد، متأسفانه تعدادی غلط‌چایی وجود دارد. اینک برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد یادآور می‌شویم:

صفحه ۱\* ستون ۲ سطر ۶ فعالیت غول آسایش  
صفحه ۴\* ستون ۱ سطر ۵ شجاعانه‌ای که رسالت  
صفحه ۴\* ستون ۱ سطر ۵۱ لطمه می‌زند حساس و نسبت  
صفحه ۴\* ستون ۲ سطر ۲۷ گذشتند سرفرو می‌آوریم  
صفحه ۴\* ستون ۲ سطر ۴۲ بخود خواهد بالید  
صفحه ۴\* ستون ۲ سطر ۴۸ یکه و تنها  
صفحه ۵\* ستون ۱ سطر ۲۴ نمی‌دادند می‌رویند  
صفحه ۵\* ستون ۲ سطر ۲ به خرد و تجربه مردم  
صفحه ۵\* ستون ۲ سطر ۲۲ شرایط آب آلود  
صفحه ۶\* ستون ۱ سطر ۱۹ ماهیت کاری که آغاز



## از مین درید

به مای نویسنده

## هیئت ایرانی ۵۰ میلیون دلار بالا کشید

یک هیئت ایرانی که از طرف نیروی هوایی ج.ا. با در اختیار داشتن ۵۰ میلیون دلار برای خرید اسلحه به لندن رفته بود، از بازگشت به کشور سرباز زد. این مسئله موجب پرتکاری سرهنگ صدیق، فرمانده نیروی هوایی شد.

در اس این هیئت قائم مقام نیروی هوایی قرار داشت که از خویشاوندان نسبی ری شهری وزیر اطلاعات ج.ا. است.

چنین گفته می‌شود که پیش از اعزام این هیئت به انگلستان، اطلاعات "حفاظت سپاه" نسبت به ترکیب این هیئت مخالفت کرده بود، اما سرهنگ صدیق در پاسخ از هیئت و پرویزه از قائم مقام فرمانده نیروی هوایی حمایت کرده بود، پرویزه روی نسبت خویشاوندی مقام یادشده باری شهری تأکید ورزیده بود.

پس از آن که محرز شد که هیئت یادشده باز نخواهد گشت، علیرغم تمایل خامنه‌ای، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع، با پی گیری اطلاعات حفاظت سپاه سرهنگ صدیق از فرماندهی نیروی هوایی عزل گردید. در این رابطه مهان وزارت اطلاعات و اطلاعات حفاظت سپاه اختلاف و درگیری وجود دارد.

## توبی‌های اطریشی

سال پیش که جریان معامله اسلحه بین اطریش و جمهوری اسلامی افشاء شد، هر دو کشور آن را تکذیب کردند. حالا که ظاهراً آب‌ها از آسیاب افتاده است، توپخانه‌های ایران توپ‌های اطریشی با برد ۶۰ کیلومتر را مورد استفاده قرار می‌دهند.

هیچگاه پایگاه رژیم نبوده و نخواهد بود. اکثریت دانشجویان مین مادر سنکر خلقند و بنابراین در صورت مبارزه متشکل می‌توانند به نیروی بزرگی علیه رژیم بدل گردند. در حال حاضر، سازمان دادن مقاومت دانشجویان علیه کسب اجباری به چپه‌ها و تشدید اعتراض‌های دانشجویان و دانش‌آموزان علیه عملکردهای ضد فرهنگی رژیم دردانشگاه‌ها و مدارس، از اهمیت بسیاری برخوردار است. باید مبارزه دانشجویی را به مبارزه سیاسی در راه سرنگونی رژیم ج.ا. ارتقاء داد.

جوانان مترقی در نیروهای مسلح!

رژیم ارتجاعی خمینی دشمن شما و مردم زحمتکش مین مان است. جنگ امپریالیسم و ارتجاع پرافروخته، جز کشتار و معلول شدن بیش از یک میلیون نفر از موهبتان محروم ما، آوارگی و بیخانمانی میلیون‌ها نفر و ویرانی و نابودی بسیاری از شهرها و روستاها و مراکز کار و تولید هیچ نتیجه دیگری در پی ندارد. تمام توان خود را در جهت خاتمه این جنگ بکارگیرید. چومخالفت علیه جنگ در چپه‌ها و پشت چپه‌ها را تشدید

با وضع موجود رژیم می‌تواند از پس انجام چنین وظایفی برآید؟ بیکنانه. فی‌المثل می‌بینیم که رژیم با آن همه وعده‌هایی که در مورد عملیات "سرنوشت ساز" و پایان جنگ در سال ۶۵ داد. نه تنها نتوانست به وعده‌هایش عمل کند، بلکه امسال هم با وقاحت و بیشرمی هر چه تمامتر در شیپور ادامه جنگ می‌دمد و بکنانم از شعارهای غیرمنطقی خود عقب نشینی نمی‌کند. خامنه‌ای بر "استمرار حضور در چپه‌ها" تأکید می‌ورزد و برای عملی شدن چنین هدفی رقم سرسام‌آوری به بودجه جنگ افزوده می‌شود. امروزه دهها شهر بزرگ و کوچک و هزارها روستا در اثر بمباران‌های پیاپی خالی از سکنه شده و چرخ کار و تولید از حرکت باز ایستاده است. رژیم از عهده اسکان دادن آوارگان و بی‌خانمانها بر نمی‌آید. رژیم نمی‌تواند گرانی و تورم را مهار کند. به گفته ناوی نماینده مجلس نرخ تورم در سال ۶۷ به ۴۶/۵ درصد رسید. رژیم بیشترین مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم را شامل مردم زحمتکش می‌کند. جهت گیری بودجه سال ۶۶ آنچنان ضد خلقی است که ناوی هشدار می‌دهد: "جامعه بی حرکت نمی‌ماند و در مسیر حرکتش خرابی و ویرانی بوجود می‌آورد". همین مسئله است که موجب هراس خمینی شده و از همین زاویه است که احساس خطر می‌کند.

خمینی علاوه بر تلاش در راه انسجام نیروهای درون حاکمیت، کماکان می‌کوشد تا مردم را بتراشد. وی "مخالفت با رئیس جمهور"، "تکذیب از دولت"، "بدگوئی از سپاه و ارتش" را "کار ابلیس" و "هوای نفسانی" می‌شمارد و بدینسان تلاش می‌ورزد تا چتر خفقان را هر چه بیشتر بر سر جامعه و حتی برخی از اطرافیان سرکش خود بکشد. اما رویدادهایی که در جامعه می‌گذرد، پرویزه جوش حرکتی ضد جنگ در گوشه و کنار کشور - که روز بروز نمودی عینی‌تر پیدا می‌کند - نشان می‌دهد که شکست رژیم محتوم است و هرگز نخواهد توانست بحران ساختاری حاکم بر کشور را مهار کند.

## ۴۴ سال پیکار در راه

تلفیق این امکانات با مبارزه مخفی صفوف خود را متشکل و منسجم کنیم و به نبرد سازمان یافته بپردازیم.

جوانان کارگر!

باید در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها تشکل‌های مخفی کارگری را سازمان دهیم و مبارزه سیاسی کارگران علیه سیاست ضد ملی رژیم و مبارزه صنفی آنان در راه تدوین قانون کار مترقی، علیه اخراج‌های دسته جمعی و بالاخره علیه اعزام کارگران به چپه‌ها را گسترش بخشیم. در این مبارزه می‌توان از تشکل‌های فرمایشی رژیم همچون شوراها و اسلامی استفاده کرد و ماهیت ضد کارگری حاکمیت را هر چه بیشتر افشا ساخت.

دانشجویان و دانش‌آموزان مبارز!

دردانشگاه‌ها و مدارس تشکل‌های صنفی مخفی را سازمان دهید و مبارزه دانشجویان را هر چه منسجم‌تر کنید. دانشگاه‌های کشور علی‌رغم فشارهای شدید و پاکسازی‌های متعدد حاکمیت

کنید و رژیم را به عقب نشینی در مقابل خروش خلق وادارید.

جوانان توده‌ای!

با اتکاء و الهام گیری از سنن و رهنمودهای انقلابی حزب توده ایران در این مبارزه مقدس از هیچگونه فداکاری دریغ نوزید!

سال گذشته حزب توده‌ای ما با برگزاری پیروزمند کنفرانس ملی خود و تصویب برنامه جدید حزب یکبار دیگر خارا ئین بودن و شکست ناپذیری جنبش کمونیستی و مترقی مین مان را به اثبات رساند. فشار رژیم در زندان‌ها بر زندانیان مترقی و خصوصاً زندانیان توده‌ای که با مقاومت دلیرانه و اعتصاب غذای آنها روپرو گردید بی شک نشانه زبونی و خشم روزافزون در مقابل کامیابی‌های ماست.

رفقا! بیانیید سال ۶۶ راه سال تشدید رزم مشترک و متحد خود در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدل کنیم.

پیروز باد مبارزه جوانان و همه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!  
درد بر زندانیان سیاسی!

## از سخنرانی نماینده کارگران ایران در هجدهمین کنگره اتحادیه‌های شغلی اتحاد شوروی

کردن رژیم اختناق در کشور اتحادیه‌های کارگری را منحل و رهبران آنها را به زندان افکندند و چه بسا نابود ساختند.

در سال ۱۹۴۱ پس از اخراج دیکتاتور، اتحادیه‌های کارگری از نو شکل گرفت و پس از سه سال بیش از ۹۰ درصد کارگران را در خود متشکل ساخت. کودتای امپریالیستی سال ۱۹۵۲ از نو به سرکوب چپ‌ساز سندیکائی و پیگرد فعالان آن روی آورد.

ولی کارگران ایران از مبارزه متشکل دست نکشیدند و در فوریه سال ۱۹۷۹ همراه با دیگر نیروهای خلقی رژیم سلطنتی را سرنگون ساختند. طبقه کارگر ایران که در ساقط کردن رژیم واپسته به امپریالیسم نقش بسیار مهمی داشت توانست از نو صفوف خود را متشکل کند. در آوریل سال ۱۹۸۰ با بهم پیوستن نزدیک به پنجاه سندیکا، انجمن همبستگی سندیکاها و شوراها کارگران و زحمتکشان تشکیل شد که در ظرف مدت کوتاهی تعداد سندیکاها و شوراها را آن به صد و هشت رسید.

بقیه در ص ۵

فعال در بحث‌های "گردهمایی"، ارائه نظرات و ارزیابی‌های حزب و پاسخ به پرسش‌های دیگر شرکت کنندگان، دیدارها و گفتگوهای دوجانبه‌ای نیز با برخی از نمایندگان احزاب برادر داشت. در این دیدارها احزاب برادر پشتیبانی خویش را از مبارزه "حزب توده" ایران علیه رژیم خمینی و در راه خاتمه جنگ و آزادی زندانیان سیاسی ابراز کردند.

گفتگو با احزاب برادر در منطقه، همچنین قراردادهای مشخص درباره گسترش مناسبات حزبی و همکاریها و اقدامهای مشترک را دربر گرفت.

متن کامل سخنرانیها و بحث‌های "گردهمایی نیکوزیا" در یک ویژه‌نامه "النج" منتشر خواهد شد. مجله "صلح و سوسیالیسم" نیز در یکی از شماره‌های آینده خود بتفصیل در اینبار گزارش خواهد داد. حزب توده ایران هم انتشار بخشی از سخنرانیهای "گردهمایی بین‌المللی" را درباره "تجربه انقلاب اکتر و مسائل مبرم کار کمونیست‌ها در میان توده‌های مسلمان" تدارک می‌بیند.

در جریان "گردهمایی نیکوزیا" رفیق از کلباس پاپائوآنو، دبیرکل "آکل"، به نمایندگان احزاب برادر خوش‌آمد گفت و آنها را به همبستگی با مبارزه مردم قبرس علیه اشغالگران ترک و تبدیل این کشور به یکی از پایگاههای عمده "دسیسه‌های امپریالیستی ایالات متحده آمریکا و ناتو" علیه خلقهای منطقه فراخواند.

در هجدهمین کنگره اتحادیه‌های شغلی اتحاد شوروی که در ماه فوریه در مسکو برگزار شد نماینده کارگران ایران نیز بعنوان مهمان حضور داشت.

نماینده کارگران ایران در سخنرانی خود پس از تیریک برگزاری کنگره به شرکت کنندگان در آن و کلیه کارگران و زحمتکشان اتحاد شوروی و اشاره به هفتاد سال مبارزه خستگی ناپذیر مردم شوروی در راه ساختمان سوسیالیسم و برقرار کردن صلح و همکاری در روی زمین، اهمیت وجود اتحاد شوروی در همسایگی ایران را مورد بررسی قرار داد و گفت: ماکه در همسایگی میهن سوسیالیستی شما قرار گرفته‌ایم همواره از سیاست صلح و دوستی و همبستگی پرادرانه خلق اتحاد شوروی بهره‌مند شده‌ایم.

نماینده کارگران ایران سپس افزود: مبارزات طبقه کارگر ایران بصورت سازمان یافته همزمان با انقلاب ۱۹۰۵ روسیه آغاز شد. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر امپریالیسم انگلستان و ارتجاع حاکم بر ایران را به وحشت انداخت، بطوریکه با مستقر

### شرکت نماینده حزب توده ایران در گردهمایی نیکوزیا

در روزهای ۱۹ - ۱۸ مارس سال ۱۹۸۷

"گردهمایی بین‌المللی" درباره "تجربه انقلاب اکتر و مسائل مبرم کار کمونیست‌ها در میان توده‌های مسلمان" در نیکوزیا، پایتخت قبرس، برگزار شد.

در این گردهمایی، که مبنکران آن "مجله صلح و سوسیالیسم"، "النج"، نشریه احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب، و "حزب مترقی زحمتکشان قبرس" ("آکل") بودند، یکی از رفقای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز شرکت کرد. نمایندگان احزاب برادر در بحرین، قبرس، هند، اندونزی، عراق، اردن، فلسطین، عربستان سعودی، سنگال، سودان، سوریه، ترکیه و اتحاد شوروی از جمله دیگر شرکت کنندگان "گردهمایی نیکوزیا" بودند. "گردهمایی" با سخنرانی رفیق دونیس کریستوفی نیس، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی "آکل"، گشایش یافت. نمایندگان احزاب برادر با یک دقیقه سکوت از رفیق حسین مروه، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان، که قرار بود در "گردهمایی" شرکت کنند و در فوریه امسال هدف سو قصد ناجوانمردانه عوامل "امل" در بیروت قرار گرفت، یاد کردند.

موضوع بحث گردهمایی نامبرده تبادل نظر درباره "تجربه احزاب برادر در زمینه فعالیت‌های ایدئولوژیک سازمانی، سیاسی و توده‌ای در کشورهای مسلمان نشین بود.

نماینده حزب توده ایران، فزون بر شرکت

## "تری ویت" زندانی سفارت ج.ا. در لبنان

۲۰ ژانویه ۱۹۷۸ تری ویت، فرستاده ویژه کلیسای "کنتربری" (در انگلستان) به لبنان برای به اصطلاح مذاکره با تروریست‌های شیعه به قصد آزاد کردن گروگانهای آمریکائی و فرانسوی و ... ناگهان در بیروت ناپدید شد. رهبر سازمان "امل" دریک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "تنها خبر موثقی که من می‌توانم اعلام کنم این است که تری ویت رادستگیر کرده‌اند."

بعد از چند روز در بیروت شایع شد که واقعهام تری ویت از طرف یک گروه اسلامی دستگیر شده است. تا روز دستگیری، تری ویت دو ماه بود که در بیروت اقامت داشت. روزنامه‌های خارجی می‌نویسند: وی برای مذاکره با تروریست‌ها آمده بود و تا آن روز کارش با موفقیت همراه بود و برخی از گروگانها آزاد شدند، اما اینک خود او را نیز به گروگان گرفته‌اند. چرا؟

به نوشته مطبوعات خارجی، تری ویت قربانی مبارزه شدید دو جناح در ایران بر سر احیای مناسبات با ایالات متحده آمریکا و ادامه تحویل اسلحه به ایران است. چه ارتباطی میان دستگیری تری ویت با زد و بندهای پشت پرده رژیم ج.ا. و واشنگتن وجود دارد؟

مفسران خارجی بر آنند که ماجرای "ایران - گیت" نه از ایالات متحده، بلکه از انگلستان آغاز شد. تری ویت قبل از حرکت به لبنان، زیر پوشش نمایندگی کلیسای مامور کمک به سازمان "میا" گردید. به بیان دیگر این شهروند انگلیسی مامور مذاکره برای آزادی گروگانهای آمریکائی، قبل از هر چیز درباره فروش سلاحهای آمریکائی به ایران به مذاکره مشغول بود.

مفسران خارجی می‌گویند: از بخت بد تری ویت تروریستهای شیعه در لبنان و همراه آنها حزب اللهی‌های ایرانی در آن کشور به دو گروه تقسیم شدند: طرفداران منتظری و ولیعهد خمینی و حامیان رفسنجانی "مرد نیرومند" رژیم خمینی. هر یک از این جناحها می‌کوشد تا از ماجرای "ایران - گیت" به سود خود بهره‌گیرند.

تری ویت که در هتل "بريستون" (در غرب بیروت) اقامت داشت، روزها در آنجا استراحت می‌کرد و شبها روانه محل مذاکرات سری می‌شد. می‌گویند این مذاکرات بطور عمده پیرامون تحویل تجهیزات نظامی آمریکا به ایران جریان داشت و تری ویت هم اکنون در سفارت ج.ا. در بیروت تکاهداری می‌شود.

آیاتری ویت در سفارت ج.ا. مشغول ادامه مذاکرات پنهانی درباره ادامه فروش سلاحهای آمریکائی به ایران نیست؟ آینده نزدیک پرده از این ماجرا بر خواهد داشت.

\*\*\*

NAMEH  
MARDOM  
Nr. 148

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

31 March 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است